

کرده و بیش از این دستمال را بر سری که
درد نمی‌کند، نگاه ندارند.

م.ت

یادداشت

۱- "انقلاب ایران در حدّ یک تغییر رهنمایی
متوقف نمی‌ماند"، گفتگو با حبیب‌الله پیمان، کیهان
۵۸/۲/۳

۲- "مهندس مهدی بازگان در سمینار
دانشگاهها"، کیهان، ۵۸/۳/۳

۳- "مصاحبه رادیوتلوویزیونی نخست‌وزیر"، کیهان،
۵۸/۳/۸

۴- "لایحه قانونی مربوط به پاکسازی و ایجاد
محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب در
وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌ها و بانک‌ها و مؤسسات و
شرکت‌های دولتی مصوب ۵۷/۶/۷"، مجموعه
قوانین و مقررات اداری و استخدامی، تجدید
نظر شده بنا آخرین اصلاحات و تغییرات تا
دیماه ۱۳۶۹، به کوشش علی پاشا محمدنوری،
چاپ دوم، تهران ۱۳۷۰، دفتر حقوقی سازمان
امور اداری و استخدامی کشور، ص ۲۷۷.

۵- "اعزام دانشجو به خارج کاهش یافته و جهت
تقویت کادر علمی دانشگاه‌ها از خارج استاد وارد
می‌کنیم"، دکتر نجفقلی حبیبی رئیس مدرسه
تربیت مدرس، رسالت، ۶۴/۱۰/۲۲.

۶- شیبانی، سخنرانی در مقام مخالف با لایحه
بازنشستگی و بازخرید مستخدمین رسمی آموزش
و پرورش، رسالت، ۶۴/۱۰/۲۳.

۷- همان.

۸- "نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در نماز
جمعه تهران"، رسالت، ۶۵/۸/۱۰.

۹- محمدتقی رنجبر نماینده صومعه‌سرا، سخنران
پس از دستور جلسه مجلس مورخ ۶۵/۸/۸،
رسالت، ۶۵/۸/۱۰.

۱۰- قاسم معماری، نماینده اهر در مجلس شورای
اسلامی، مورخ ۶۵/۸/۲۷ رسالت ۶۵/۸/۲۸.

بحران آب، بحران آبادان

بحران شهری، بحران ملی، راه

حلهای جمعی

کیفیت آب آبادان از سال گذشته رو
به نزول گذاشت. ولی از بهار امسال این
افت کیفیت ابعاد جدیدی یافته و از اوایل
تابستان به حدی از شوری رسید که دیگر
قابل شرب نبود. نارضایتی و استیصال مردم
شهرستان از این وضع در ۱۵ تیر ماه به حد
انفجار و تظاهرات خیابانی و حتی شورش در
زندان شهر رسید. چند هفته بعد از این وقایع
که منجر به دستگیری نزدیک به ۴۰۰ نفر
شد، نمایندگان این شهر در مجلس در جلسه
شورای اداری استان به تشریح علل نابسامانی
شهر پرداخته و کیفیت آب شرب، بیکاری
مزمن و فقر روزافزون، و نابسامانی روند
بازسازی بعد از جنگ را علل نارضایتی مردم
اعلام کردند. از خلال صحبت‌های نمایندگان

چنین برمی آید که به علت وخامت اوضاع این حس در مردم به وجود آمده که میان شورش و اعتراض علنی از یک سو و مهاجرت از شهر راه چاره دیگری برای آن‌ها باقی نمانده است. به قول کعبی نماینده آبادان در مجلس ششم مردم آبادان آشوبگر نیستند ولی در صورت ادامه اوضاع فعلی قطعاً سیر مهاجرت‌ها از این شهر فزونی خواهد گرفت.

آبادان جزیره‌ای است که توسط بزرگترین منابع آب شیرین کنشور - یعنی رودخانه‌های بهم‌نشیر، کارون و اروند احاطه شده و طبیعی است که مردم این شهر از درک این که چگونه ممکن است آب شرب آنها، یعنی اولین و بدیهی‌ترین نیاز زندگی امروزی گاه و برای مدتهای طولانی به حد شوری آب دریا برسد درمانده‌اند. مشکل مردم آبادان و (باید مردم خرمشهر و حتی اهواز را نیز به آنها اضافه نمود) به شوری آب لوله و رودخانه‌ها و مسائل محیط زیستی محدود نمی‌شود. برای مردم آبادان قابل درک است که خشکسالی بی‌سابقه امسال عامل مهمی در نزول کیفیت آب شهرستان بوده است. ولی از سوی دیگر آبادانی‌ها به این نکته نیز واقف‌اند که خشکسالی تنها عامل وضعیت کنونی نبوده و عوامل انسانی نیز نقش بسزایی در بروز شرایط فعلی آنها دارند. به همین دلیل یأس عمیقی طی چند

ماه اخیر بر شهر حاکم شده که موج روزافزون مهاجرت از شهر به دلیل عدم باور به توان ماندگاری و بهبود وضعیت در آینده یکی از بازتاب‌های منفی آن است.

آبادان شاید اینک در بحرانی‌ترین دوران پرفراز و نشیب تاریخ خود قرار دارد. به طوری که مسئله اصلی در حال حاضر بقای خود شهر به عنوان شهر و نه صرفاً یک اردوگاه فقر شامل مهاجرین روستایی و پناهندگان می‌باشد. یأس عمیق مردم آبادان نه فقط از شوری آب امسال، بلکه از آینده‌ای است که در آن هیچ روزنه‌ای امید به بهبودی اوضاع نمی‌بینند.

چرا بحران آبادان ملی است؟

چرا بقای آبادان مهم است؟

خشکسالی امسال طی سه دهه اخیر بی‌سابقه بوده و تمامی مناطق جنوبی، مرکزی و شرقی کشور را با بحران حاد انسانی و اقتصادی و زیست‌محیطی مواجه کرده است. از این دیدگاه شرایط خوزستان و آبادان قطعاً بدتر از دیگر مناطق آسیب‌دیده محروم و محتاج کمک - مثل سیستان و بلوچستان - نیست. ولی دو نکته موقعیت و شرایط آبادان را از دیگر مناطق آسیب‌دیده متمایز نموده و آن را به بحرانی ملی و بقای این شهر را به مسئله‌ای همگانی بدل می‌نماید:

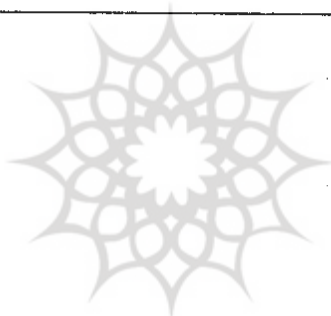
۱- توانایی بالقوه اقتصادی و جغرافیایی آبادان (و خرمشهر)، زیربنای پیشرفته صنعتی و ترابری، سرمایه بالقوه انسانی، سابقه تاریخی، هویت و فرهنگ شهری منحصر به فرد، آبادان را تبدیل به یک ثروت ملی نموده که شرایط بحرانی حاضر منجر به عدم بهره‌برداری و حتی تخریب و نابودی آن می‌شود.

۲- بحران آب آبادان تنها در اثر خشکسالی پدید نیامده، بلکه عوامل انسانی، اجتماعی و همچنین دیدگاه غالب بر امور توسعه و طرح‌های

عمرانی نیز در آن نقش انکارناپذیری داشته است. به همین خاطر بحران آبادان، پرسش‌های متعددی را در زمینه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی مطرح می‌سازد که پاسخ به آنها نیازمند بحث در سطح ملی بوده و نمی‌توان آن را صرفاً در سطح محلی و از راه تأمین موقت آب شرب برطرف نمود.

اهمیت آبادان

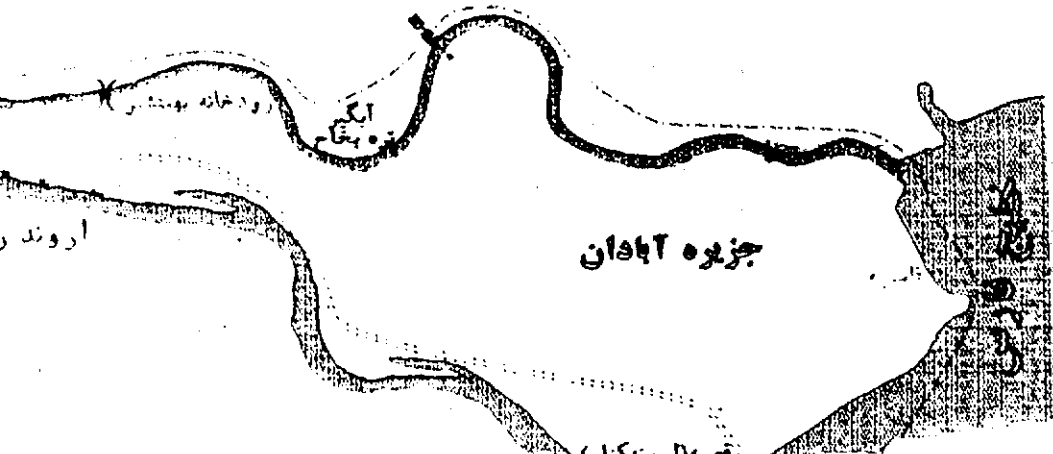
با بحران آبادان نباید مانند یک مورد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

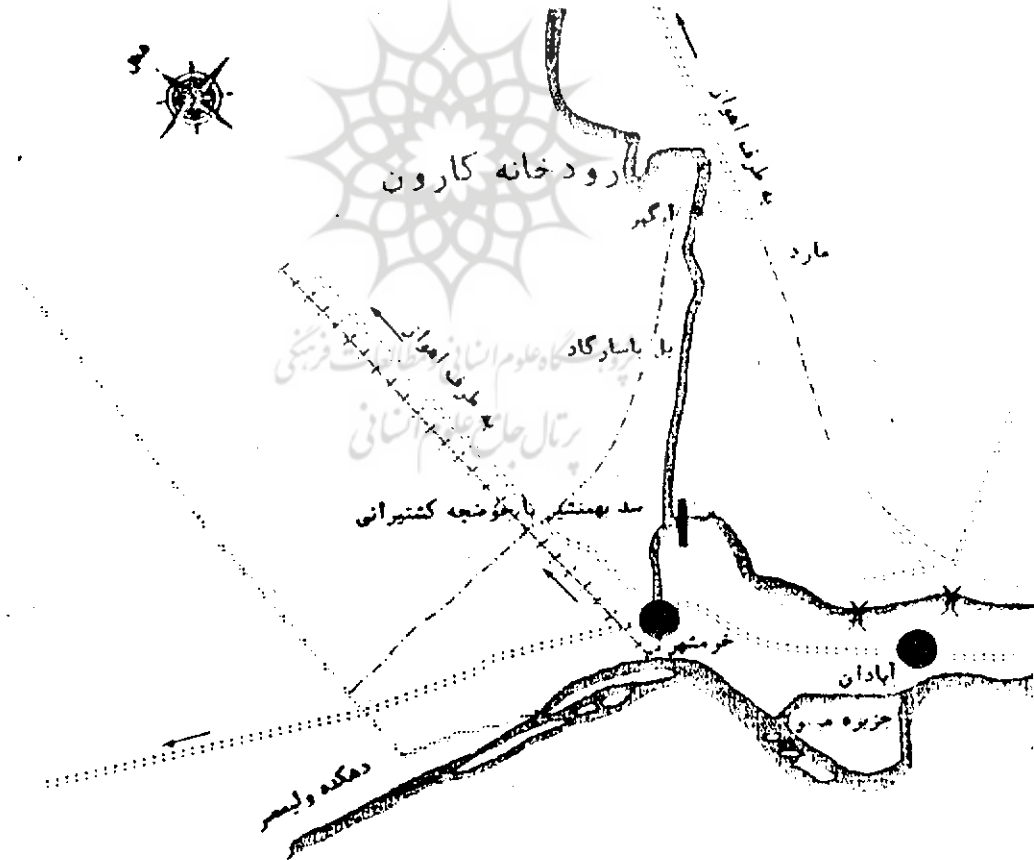
پرتال جامع علوم انسانی

دهکده چیده



"خیریه" برخورد کرد: این شهر نیازمند کمک انسان‌دوستانه بلاعوض نیست. آبادان پتانسیل عظیم بالقوه صنعتی، انسانی، توریستی، ژئواستراتژیک، کشاورزی، و اقتصادی دارد که در طول جنگ آسیب جدی دیده، در دوران بازسازی در مورد آن اهمال شده، تا بالاخره در شرایط فعلی این شهر عملاً در معرض نابودی و انقراض قرار گرفته است. آبادان تا دوران جنگ اولین، بزرگترین و پیشرفته‌ترین شهر مدرن و صنعتی ایران بوده. صنعت نفت و پالایشگاه هشتاد و چند سال پیش شهر را به وجود

آورده و بخش عمده‌ای از سرمایه و ثروتی که در نوسازی و عمران این مملکت به کار گرفته شد در این شهر تولید شده است. مردم آن از روز اول مهاجر بودند و تجمع آنها در یک شهر و اشتغال آنان به امور صنعت فرهنگی نوین، مدرن و منحصر به فرد در ایران به وجود آورد. فرودگاه بین‌المللی، راه آهن سراسری، تجهیزات پیشرفته و زیربنای تحول‌یافته صنعتی و شهری و نیروی کار متخصص و تعلیم‌دیده از آبادان و خرمشهر یک منطقه ایده‌آل تولیدی - صنعتی پیشرفته ساخته است. موقعیت



جغرافیایی در دهانه خلیج فارس، وجود بندر عمده کشتیرانی و حمل و نقل بین‌المللی، به آبادان و خرمشهر امکان حضور فعال در بازارهای جهانی و خلیج فارس را داده و می‌دهد. از سوی دیگر تا آغاز جنگ، آبادان قطب عمده تولید نخیلات و کشاورزی و باغداری در خوزستان بود.^۵ زیبایی جغرافیایی رودخانه‌های عظیم بهمینشیر، اروند، کارون، و فرم و معماری اروپایی - بومی آبادان و خرمشهر از این دو شهر یک قطب مهم توریستی ساخته بود.

تا آغاز جنگ، محور اصلی توسعه جغرافیایی کشور محور غرب بود^۶ که از طریق راه آهن سراسری تهران-اهواز - آبادان-خرمشهر را به یکدیگر متصل می‌نمود. آبادان و خرمشهر نقش عمده‌ای از لحاظ تولید ثروت، پدید آوردن نیروی انسانی و نگهداری و حفظ آن (آبادان تنها شهر عمده کشور بود که طی دهه‌های پرتلاطم ۳۰ تا ۵۰ رشد جمعیت ثابت و حساب‌شده‌ای داشت) و ایجاد بازار کار منطقه‌ای برای منطقه پرجمعیت غرب کشور داشتند.^۷

وضعیت بحرانی فعلی این شهرها تا حد زیادی به علت عدم توجه نهادهای مسئول برنامه‌ریزی و توسعه کشور به این پیشینه تاریخی و پتانسیل انسانی و اقتصادی است.

اوضاع زیست-محیطی، اجتماعی، و روانی موجود در شهر ناشی از کدام عوامل اند؟
قطعاً عوامل پیچیده‌ای در پدید آوردن اوضاع کنونی دخیل و مسئول بوده‌اند. ولی از این میان سه عامل عمده و به‌هم‌پیوسته را می‌توان نام برد:

۱- وضعیت آب رودخانه‌ها که منبع شرب و در عین حال زندگی اجتماعی کل منطقه (یعنی دآمداری و کشاورزی و صنایع و اوقات فراغت و ...) می‌باشد.
۲- روند و عملکرد بازسازی بعد از جنگ و اندیشه و عملکردی که بانی آن بوده است.

۳- ساختار دولتی موجود در کشور و در منطقه (شامل عمرانی، اداری و رابطه قدرت مرکز با مناطق پیرامونی).
در مورد کیفیت آب رودخانه‌ها پرواضح است که خشکسالی بی‌سابقه امسال عامل مهمی در شوری آب بوده است. خشکسالی "حاد" امسال^۸ منجر به افت ۴۰ تا ۹۲ درصدی آبهای سطح‌الارضی کشور شده است (بسته به منطقه). میزان آب جاری در حوزه آبخیز کارون بزرگ امسال تنها ۴۷٪ میانگین آب جاری در این حوزه طی ۳۰ سال گذشته می‌باشد. در همین حال طرح‌های عمرانی و عملیات بازسازی متعدد که در کل حوزه آبخیز رودخانه کارون

اروند) در جریان است بدون شک تأثیر مهمی بر میزان کیفیت آب آنها گذاشته و در آینده با راه‌اندازی هرچه بیشتر این طرح‌ها و عملیات مسلماً تأثیر منفی آنها بر آب رودخانه بیشتر خواهد شد.

طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی، و متولی آن وزارت کشاورزی به اندازه یک سوم آب رودخانه را در کم‌آب‌ترین فصل سال برای شستشوی خاک و آبیاری مزارع خود برداشت کرده و از آن سو زهاب آمیخته به نمک و املاح خود را به رودخانه و حوزه آبخیز بازمی‌گرداند. در آینده‌ای نزدیک که حدود ۸۰۰۰۰۰ هکتار مزرعه زیر کشت برود پساب‌های آلوده و سموم شیمیایی آن وارد اکوسیستم منطقه خواهد شد. این که پیامد زیست‌محیطی این دخالت عظیم انسانی و آلودگی‌های شیمیایی ناشی از آن بر زندگی نزدیک به یک میلیون انسانی که در زیر دست این طرح زندگی می‌کنند (یعنی ساکنان آبادان، اهواز و خرمشهر) چه خواهد بود سئوالی است که طرح توسعه نیشکر و صنایع جنبی، و متولی آن یعنی وزارت کشاورزی تاکنون نه فقط پاسخ مناسبی به آن نداده‌اند، بلکه به نظر می‌رسد خود پرسش را نیز به رسمیت نمی‌شناسند.^{۱۱}

اینکه وزارت نیرو تا چه حد با ساخت سد در بالادست رودخانه و آبیگری مخازن آنها و یا انتقال آب از سرمنشأ رودخانه به

دیگر مناطق مرکزی کشور باعث افت سطح آب و در مضیقه قرار دادن آبادان و خرمشهر شده مجهولی است که نه مردم منطقه از پاسخ آن خبر دارند و نه وزارت نیرو خود را ملزم به جواب‌گویی و مسئولیت در قبال آن می‌داند.^{۱۲}

ما در منطقه خاورمیانه با خطر جدی "جنگ‌های آب" در میان کشورهای بالادست مثل ترکیه و پایین‌دست مثل عراق و سوریه مواجه خواهیم بود زیرا ترکیه به صرف موقعیت جغرافیایی (و نیروی برتر نظامی) به خود حق می‌دهد بر آب رودخانه‌های دجله و فرات سد زده و به هر میزان دلخواه از آن بهره‌برداری کند. این تنش است که میان سه کشور رقیب ایجاد تشنج جدی کرده است، اما در مملکت ما که یک وزارتخانه مشخص متولی آب هر رودخانه است آیا مناطق واقع در زیردست نباید بدانند منابع طبیعی آنها به چه میزان و با چه هدف (و هزینه‌ای) برای استفاده دیگر مناطق مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد؟^{۱۳}

مردم آبادان نمی‌دانند تا چه حد برداشت‌های محلی از رودخانه در طول مسیر آن، توسط کشاورزان و مناطق مختلف شهری باعث افت کمی و کیفی آب شرب آنها شده. از سوی دیگر، آبادانی‌ها واقف‌اند که زباله و فضولات شهری بدون پسابش و

تصفیه جدی به همراه زهاب‌های کشاورزی در تمام طول مسیر وارد آب رودخانه شده و آبی که به آنها می‌رسد علاوه بر آلودگی‌های جدی بیولوژیکی (که تصفیه معمولی توسط کلر و زاج تا حدی از خطر آن می‌کاهد) از آلودگی‌های شیمیایی نیز عاری نیست.^{۱۲}

در این امر خود شهرهای آبادان و خرمشهر بی‌تقصیر نبوده، زیرا فاضلاب کارخانه صابون خرمشهر، فاضلاب شهر آبادان، و بدتر از همه فاضلاب پالایش‌نشده پالایشگاه آبادان نیز مستقیماً وارد رودخانه و اکوسیستم منطقه شده و میلیون‌ها اصله نخل و بیش از بیست‌هزار روستایی پایین‌دست آبادان را علاوه بر حوزه خلیج فارس و آبریزان آن در مخاطره جدی می‌اندازد.^{۱۳}

از سسوی دیگر وزارت نفت و سازمان‌های مربوطه به آن - مثل پالایشگاه آبادان و شرکت نفت - که تا آخرین اطلاع کماکان سازمان‌ها و نهادهای ملی بوده و هنوز به شرکت‌های خصوصی با منافع خصوصی‌تر تبدیل نشده‌اند، نه تنها در قبایل شهری که طی قرن اخیر پایگاه عمده فعالیت و تولید ثروت و منزلت برای کشور بوده حس مسئولیت اجتماعی مثل ایجاد اشتغال، سرمایه‌گذاری اجتماعی در بافت شهری، و حتی پرداخت عوارض شهری نمی‌کند، بلکه با رجوع به استدلالی کاذب مبنی بر این که شرکت‌های مختلف بخش نفت باید رقابتی

عمل نموده^{۱۴} (در شرایطی که برای هیچیک از این شرکتها رقیبی داخلی یا خارجی وجود ندارد!) و لاجرم یک سوم نیروی کار خود را "آزاد سازند" به احساس ناامنی شغلی و اجتماعی در شهر دامن زده‌اند (شاغلین پالایشگاه پیش از پیروزی انقلاب حدود ۱۷۰۰۰ نفر بوده‌اند، ولی امروزه از حدود ۵۰۰۰ شاغل در پالایشگاه نزدیک به یک سوم قرار ختم خدمت دارند!)

علاوه بر همه این مشکلات جهاد سازندگی که لایروبی مسیر بهم‌نشیر را به عهده دارد، در اقدامی که تنها می‌توان به آن نام "نبوغ واژگونه سوررئالیستی" نهاد، لایروبی رودخانه را از مصدر آن آغاز نموده^{۱۵} و با گشاد نمودن دهانه طبیعی رودخانه و با تغییر شیب کف آن آب شور دریا را وارد مسیر رودخانه نموده و بدون شک به نخیلات و آب شرب شهر لطمه زده است. از سوی دیگر این نهاد، رسوبات جمع‌آوری شده از کف رودخانه را در کنار جاده انباشته، این رسوبات پس از تبخیر آب آنها در اثر باد به شکل غباری دائم در منطقه پراکنده شده و چون حاوی انواع آلاینده‌های شیمیایی است به بهداشت مردم محل که عمدتاً روستاییان تهی‌دست و عرب‌زبان‌اند لطمه جدی وارد می‌سازد.

مشکل فعلی

به طور خلاصه، مردم آبادان به وضوح شاهد افت محسوس و روزافزون سطح زندگی و کیفیت محیط زیست خود بوده و آینده بهتری را پیش روی خود نمی بینند. وعده های عام و شعارهای طلایی برای مردمی که روزی ساکن مدرن ترین و صنعتی ترین شهر کشور بوده که کلیدی ترین نقش را در حوادث مهم سیاسی کشور (از ملی کردن صنعت نفت گرفته تا انقلاب و مقاومت قهرمانانه در دوران جنگ) بازی نموده، و از سوی دیگر واقفاند شهر آنها و زحمات آنها سهم بسیار مهمی در تولید ثروتی که به هر طریق نوسازی و عمران کل مملکت را طی چندین دهه به ارمغان آورده دیگر کارساز نیستند.^{۱۶}

آنچه آبادان می خواهد، داشتن صدایی است مساوی و ملموس در اموری که مستقیماً مردم آن و هویت جمعی شان را تحت تأثیر قرار می دهد. قطعاً مردم خوزستان - مثل هرجای دیگر ایران - باید صاحب صدا، رأی و حق تصمیم در طرح های کلان و ملی باشند که توسط وزارتخانه های مرکزی در تهران طراحی می شود و لسی مستقیماً زندگی این مردم را دستخوش تحول و تلاطم اساسی و ماندگار می کند. به همین خاطر مسئله آبادان صرفاً مسئله آب شور امسال آن نیست، بلکه نموداری مشخص

است از یک معضل ملی: یعنی رابطه دولت با جامعه، رابطه ای که توسعه طلبی تکنودر تیک یا توسعه طلبی اقتدارگرایانه و متمرکز مسلماً تنها راه حل آن نیست. اگر اصولاً خود باعث و مسئول پدید آوردن مشکل و بحران نبوده باشد.

ولی از سوی دیگر مسئله آبادان یک مشکل مشخص و فوری نیز هست: یعنی مسئله آب شور و غیر قابل شرب نزدیک به ۳۰۰،۰۰۰ شهروند. این دو مسئله خرد و کلان، خاص و عام، را می توان و می باید به هم مرتبط ساخت. گام اول در این راه پدید آوردن از همه افراد، نهادها و جریان های اجتماعی فعال در اموری است که به نوعی طنین دغدغه ها و موضوع کاری خود را در شرایط فعلی آبادان مشاهده می کند. چنین جمعی با متمرکز کردن فعالیت های پراکنده زیر چتر یک گردهمایی داوطلبانه و مشترک می تواند دستاوردهای قابل ملاحظه و ملموس و کم سابقه ای به دست آورد. این گردهمایی می تواند الگویی باشد برای جلب توجه همگانی به موضوعات حاد ملی و اجتماعی، برای جمع آوری اطلاعات و پرداخت و تولید دانش در مورد این موضوعات و شکل دادن و تربیت افکار عمومی. این جمع می تواند با تشویق نهادها و گروه ها و افراد فعال در آبادان به همکاری و مشارکت الگوی جدیدی از فعالیت های داوطلبانه فرمانطقه ای

پایه‌ریزی کند. از همه مهم‌تر، این ائتلاف می‌تواند با جلب توجه عمومی به بحران آبادان هم تبدیل به "صدای" مردم این منطقه برای بیان مشکلات خود شود و هم زمینه بحث و تبادل نظر و تبیین دیدگاه‌های جدید را در نوس و شیوه سیاست‌گذاری، عمران و توسعه که در حال حاضر فرآیندی یک‌سویه و از بالا به پائین دارد، را فراهم سازد.^{۱۷}

کاوه احسانی

یادداشت

۱- "آلودگی آب حادترین مشکل زیست‌محیطی خوزستان". سلام، ۱۳۷۸/۳/۲۷. مقاله مدعی است که ۸۰ درصد آلودگی آب کارون ناشی از فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی است. ۷۰ درصد جمعیت استان در حوزه کارون زندگی می‌کند. "کارون هم به زودی می‌میرد". آریا، ۷۸/۴/۲۴. "کمبود آب مشکلی که حل نمی‌شود". آریا، ۱۳۷۸/۴/۳۰. طبق این گزارش رئیس سازمان آب و فاضلاب اهواز اطلاع داده که در صورت ادامه روند آلودگی شیمیایی کنونی تا ده سال آینده آب رودخانه غیرقابل شرب خواهد شد. البته در تیرماه فرماندار وقت آبادان نوید بهبود سریع اوضاع را داد: "مشکل شوری آب آشامیدنی مردم آبادان و خرمشهر به زودی حل می‌شود".^{۱۸} /اطلاعات ۱۳۷۸/۴/۲۴. متأسفانه هنوز این وعده تحقق عملی نیافته است!

۲- "نمایندگان آبادان خواستار تسریع روند بازسازی این شهر شدند". بهار، ۱۳۷۹/۵/۱۱.

۳- خشکسالی بی‌سابقه امسال ایران در جهان نیز بازتاب گسترده‌ای یافته و حتی منجر به ارسنال

کمک‌های مالی از سوی سازمان ملل متحد، عمدتاً برای خرید تانکرهای سیار شد. ولی با در نظر گرفتن ابعاد حقیقتاً هولناک این خشکسالی که طبق برخی تخمین‌ها شاید حتی منجر به مهاجرت اجباری تا نیمی از جمعیت روستایی و دامدار به شهرها بشود و واکنش رسمی دولت و اطلاع‌رسانی عمومی در مورد آن بسیار ضعیف بوده است. برای نمونه نگاه کنید به مقاله "یکصد شهر کشور با کمبود آب آشامیدنی مواجه هستند". (از ۷۰۰ شهر) /اطلاعات، ۷۹/۵/۳۰. مدیر عامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور گزارش داده که با استفاده از فن‌آوری‌های نوین ۹۰ درصد مردم از مشکلات ناشی از خشکسالی مصون مانده‌اند. در دنباله ایشان یادآوری نمود که اگر این خشکسالی چند دهه پیش رخ می‌داد ابعاد انسانی فاجعه بسیار بیشتر می‌بود. ولی در این گفتگو ایشان به این سؤال مهم که تکلیف ۱۰ درصد باقی‌مانده مردم چه می‌شود - یعنی حدود ۶ میلیون نفر، که فن‌آوری‌های جدید به کمک آن‌ها نیامده - پاسخی نداده است.

۴- اوضاع نابسامان خوزستان، و به خصوص خرمشهر و آبادان موضوع گزارشهای مطبوعاتی مکرر بوده است. برای نمونه به گزارشهای زیر که طی دو سال اخیر منتشر شده‌اند رجوع کنید: "معايير آبادان نیاز به آسفالت دارد". /اطلاعات، ۷۸/۱۲/۱۱. "فاضلاب‌ها دامی برای کودکان". رسالت، ۷۷/۱۲/۱. "بازسازی کامل آبادان نیاز به همت مسئولان دارد". /اطلاعات، ۷۸/۱۰/۲۷. "به دلیل پخش فاضلاب‌ها در سطح خیابان‌ها و معاير این شهرها بهداشت در خرمشهر و آبادان معنی و مفهوم ندارد". /اطلاعات، ۷۷/۱۰/۲۳. "آبادان، شهر فراموش‌شده". رسالت، ۷۸/۴/۸. "امام جمعه خرمشهر: برخی مسئولان بازسازی به خرمشهر خیانت کرده‌اند". جبهه، ۷۸/۲/۲۵. تقریباً تمامی شماره‌های نشریات محلی مثل صبح کارون، آبادان امروز، ...

۵- برای اطلاعات راجع به وضعیت خرمای شهرستان نگاه کنید به "بررسی وضعیت اقتصادی محصول خرما"، معاونت برنامه‌ریزی و بودجه وزارت کشاورزی، ۱۳۷۸.

۶- برای اطلاع راجع به تغییر محور جغرافیایی توسعه کشور طی دو دهه اخیر رجوع کنید به:

"Atlas d'Iran", Bernard Hourcade et.al.) Paris, 1997.

۷- برای بررسی پیشینه تاریخی-جغرافیای آبادان رجوع کنید به مقاله "تجدد و مهندسی اجتماعی در شرکت شهرهای خوزستان"، گفتگو، شماره ۲۵، ویژه‌نامه خوزستان، پاییز ۷۸، ص ۴۶-۹.

۸- ستاد حوادث غیرمترقبه وزارت کشور و سازمان ملل متحد، خشکسالی سال گذشته را "جدی" و امسال را "حاد" طبقه‌بندی کرده‌اند.

۹- طی سالهای اخیر طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی، به عنوان بزرگترین طرح عمرانی-کشاورزی کشور موضوع حادثترین حدل‌ها بوده ومقالات متعددی در مطبوعات در دفاع و یا حمله به آن منتشر شده است، بررسی جامع این طرح عظیم را به فرصتی دیگر موکول می‌کنیم. برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به مقاله عباس زرگر: "خوزستان، رؤیای شکرین"، گفتگو، شماره ۲۵، ویژه‌نامه خوزستان، پاییز ۷۸، ص ۹۴-۸۱ و گزارش مخصوص روزنامه/ایران در تواریخ ۲۰۱ و ۴ آذر ۱۳۷۸.

۱۰- وزارت نیرو در حال حاضر مشغول احداث دهمین سد بزرگ جهان بر روی رودخانه کارون می‌باشد (مشمهری ۲۷ اردیبهشت ۷۸). اصولاً دیدگاه این وزارتخانه و کلاً دستگاههای اجرایی نسبت به منابع آب استفاده کامل از آن‌ها است، چنین برخوردی طی یکی دو دهه اخیر از دیدگاه زیست‌محیطی خطرناک و از زاویه دید توسعه پایدار منسوخ و غیر قابل دفاع تلقی شده زیرا اثرات سوء این نوع برداشت، خصوصاً در اقلیم‌های خشک به کرات تجربه شده است. نگاه

کنید به اظهارات معاون امور آب وزارت نیرو در خرداد ۷۸/۵/۲۳: "هفتاد درصد از آب قابل استحصال کشور به هدر می‌رود". این دیدگاه متأسفانه محدود به تکنوکرات‌های وزارت نیرو نبوده و آقای رئیس‌جمهور نیز به کرات بر لزوم مهار و استفاده از منابع آب، تا آخرین قطره تأکید ورزیده و از "اتلاف" آب رودخانه‌ها اظهار تأسف نموده‌اند. (برای نمونه نگاه کنید به خرداد ۷۸/۶/۲۰ "با حضور خاتمی طرح انتقال آب زرینه به تبریز به بهره‌برداری خواهد رسید".

۱۱- وزیر نیرو بالاخره در مقابل پرسش و اعتراضات مردم منطقه و نمایندگان مجلس به طرح‌های انتقال آب به کشورهای دیگر که خود این وزارتخانه و معاون رئیس‌جمهور حسن حبیبی به دفعات طی سالهای اخیر تبلیغ آن را کرده بودند مجبور به پاسخ شد که "در حال حاضر به خاطر کم‌آبی ایران به هیچ کشوری آب صادر نمی‌کنند". حیات نو ۷۹/۵/۳.

۱۲- آلودگی روزافزون رودخانه‌های خوزستان، به خصوص کارون، از دو سال پیش ابعاد جدی به خود گرفته است. نگاه کنید به "آلودگی در بزرگترین رود ایران"، ایران ۷۸/۲/۲۹ و "آلودگی کارون و شوری آن"، ایران ۷۸/۴/۲۸. همین‌طور به منابع ذکر شده در پانوشت ۴ مراجعه کنید.

۱۳- بالاخره در تیرماه امسال، و بعد از آشوبهای هفته پیش از آن در آبادان اعلام شد که "کارخانه صابون‌سازی خرمشهر به تصفیه‌خانه فاضلاب مجهز می‌شود"، بهار ۷۹/۴/۲۲. قابل ذکر است که لوله آگیری آبادان در چندمتری دهانه فاضلاب این کارخانه که فضولات شیمیایی آن مستقیماً به بهمنشیر می‌ریزند واقع شده. به غیر از کارخانه مزبور آلودگی فیزیکی رودخانه به وضوح در تمام طول مسیر قابل مشاهده است.

۱۴- مصاحبه با دکتر سلیمانی، عضو شورای شهر آبادان، احمد میدری نماینده آبادان در مجلس،

پژوهشگران دانشگاه، کارمندان بالایشگاه، و مردم شهر
آبادان در مرداد ۱۳۷۹.

۱۵- بازدید از منطقه در مرداد ۱۳۷۹ و مصاحبه با
صاحبان صنایع در منطقه. همین‌طور نگاه کنید به
"گزارش ضرورت اجرای کامل طرح تأمین آب و
آبیاری جزیره آبادان". واحد مطالعاتی حوزه کارون.
وزارت نیرو، مردادماه ۱۳۷۹.

۱۶- "رئیس مجلس سالروز شکسته شدن حصر
آبادان را شادباش گفت". *اطلاعات* ۷۹/۷/۵. سال
گذشته در پاسخ به بروز بحران کم‌آبی و افت جدی
کیفیت آب "ستاد بررسی کیفیت آب رودخانه‌های
دز و کارون تأسیس شد". *اخبار اقتصادی* ۷۸/۸/۲۶ و
فرماندار آبادان وعده داد که "مشکل شوری آب
آشامیدنی مردم آبادان و خرمشهر به زودی حل
می‌شود". *اطلاعات* ۷۸/۴/۳۰. امسال نیز در
مردادماه اعلام شد که "پانزده میلیارد ریال برای
تأمین آب آشامیدنی آبادان و خرمشهر تخصیص
یافته" (بهار ۷۹/۱۲۵) و در نشستی با نمایندگان
مجلس "رئیس‌جمهور برای رفع مسائل آبادان قول
مساعد داد". *اطلاعات* ۷۹/۶/۷. ولی از سوی دیگر در
همین نشست و در مقابل گله‌های نمایندگان شهر
رئیس‌جمهور از عملکرد وزارت‌خانه‌های کشاورزی،
نیرو، جهاد، و نفت دفاع و قدردانی نموده و پروژه‌های
در دست احداث و اجرای ایسن وزارت‌خانه‌ها را
پروژه‌های "ملی" دانسته‌اند.

۱۷- چنین جمعی به نام "انجمن احیاء آبادان" و به
منظور پیگیری اهداف ذکر شده در تابستان سال ۷۹
تأسیس شده است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به
حیات‌نو ۷۹/۷/۲۷.